



# انتظارهای حرفه از جامعه حسابداران رسمی ایران

✍ غلامحسین دوانی

## مقدمه

حرفه حسابداری در معنای کلی پیوندی عمیق با شفاف‌سازی، حسابداری و پاسخگویی دارد. تحقیق‌های مستند دو دهه اخیر که درباره نقش حسابداری و حسابرسی در فرایند نظام‌های مردم‌سالار صورت گرفته نیز مؤید همین موضوع است. در چارچوب این نظریه، جایگاه و شأن حسابداران رسمی به‌عنوان «امین ناظر ملت» در جوامع مختلف بسی فراتر از نقش حرفه‌ای آنان در چارچوب استانداردهای حسابداری و حسابرسی است، به همین علت، امروزه در اساس با واژه‌هایی مانند مسئولیت اجتماعی، حسابرسی اجتماعی، حسابرسی زیست‌محیطی (توسعه پایدار) مواجه شده‌ایم. بررسی پیشینه حرفه حسابرسی نشان می‌دهد که این حرفه زمانی می‌تواند نقش اصلی خود را در جامعه ایفا کند که برخاسته از ضرورت‌های خاص جامعه باشد؛ بدین معنی که چنانچه در جامعه‌ای مفاهیمی همچون پاسخگویی، حسابداری، شفافیت موضوعیت نداشته باشند، این حرفه نیز قادر به حیات و استمرار فعالیت نیست.

نگاهی به انقلاب مشروطیت نیز نشان می‌دهد اندیشه «نظارت مردم بر منابع و مصارف دولت» زائیده مشروطیت بود که منجر به تشکیل دیوان محاسبات و رسیدگی به حساب‌های دولتی وفق مقررات مفاد مواد ۱۰۱ تا ۱۰۳ متمم قانون اساسی مصوب ۱۲۸۶ شد. با این باور، نظر به اینکه ذات فعالیت دیوان محاسبات، حسابرسی رعایت بوده، می‌توان نتیجه گرفت اولین

رعایت الزامهای قانونی قابل مشاهده است که متأسفانه تاکنون مدنظر جامعه حسابداران رسمی ایران و مرجع استانداردگذار قرار نگرفته است.

نگاهی به پیشینه حسابرسی در تکامل فرایند توسعه اقتصادی کشور، نشان می‌دهد که در ماده ۳۰ قانون مالیات بر درآمد مصوب ۱۳۲۸/۴/۲۹ مقرر شده بود:

”هر موقعی که انجمن محاسبین و کارشناسان قسم‌خورده در کشور تشکیل شود، وزارت دارایی مکلف است نتیجه رسیدگی محاسبین قسم‌خورده در مورد حساب یا ترازنامه هر بازرگان یا شرکت را بپذیرد و در این صورت برای تشخیص مالیات مؤدی دیگر حاجت رسیدگی به دفاتر و اوراق مؤدی نخواهد بود“ (روزنامه رسمی ۱۳۸۹ مورخ ۱۳۲۸/۹/۵).

به دلیل عدم انجام هرگونه عملیات اجرایی پیرامون تأسیس و تشکیل انجمن محاسبین قسم‌خورده و کارشناسان حساب، متن فوق عیناً در اصلاحیه قانون مصوب ۱۳۳۴/۵/۱۰ در روزنامه رسمی ۳۰۸۳ مورخ ۱۳۳۴/۶/۱۹ و ماده ۳۳ قانون مالیات بر درآمد و املاک مزروعی و مستغلات و حق تمبر مصوب فروردین ماه ۱۳۳۵ تکرار شده است. در پی این مصوبات، «آیین‌نامه انجمن محاسبین قسم‌خورده و کارشناسان حساب در ۱۳۴۰/۵/۲۵ تصویب و اساسنامه انجمن نیز در ظاهر در سال ۱۳۴۲ تصویب شد (اگرچه هیچ نسخه‌ای از اساسنامه مذکور تاکنون مشاهده نشده است)، اما انجمن یادشده نیز بدون هیچ‌گونه اقدام عملی از بین رفته است.

علاوه بر این در ماده ۶۲ قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ چنین آمده است که: «مجمع عمومی سالیانه یک یا چند مفتش (کمیسر) معین می‌کند- مفتشین مزبور که ممکن است از غیر شرکا نیز انتخاب شوند مأموریت خواهند داشت که در موضوع اوضاع عمومی شرکت و همچنین در باب بیلان (خلاصه جمع و خرج) و صورت‌حسابهایی که مدیرها تقدیم می‌کنند راپرتی به مجمع عمومی سال آینده بدهند. تصمیماتی که بدون این راپرت راجع به تصدیق بیلان و صورت‌حسابهای مدیران اخذ می‌شود معتبر نخواهد بود. در صورتی که مجمع عمومی مفتشین مذکور را معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از مفتشینی که معین شده‌اند نتوانند راپرت بدهند یا از دادن راپرت امتناع نمایند رئیس محکمه بدایت مرکز اصلی شرکت

نشانه‌های قانونی حسابرسی در انقلاب مشروطیت آشکار شد که متأسفانه این مهمترین اصل بنیادین نظام پاسخگویی هیچگاه جامه عمل به خود نگرفت. جوزف شومپیتر به صراحت یادآور شده است: «چون دولتها فعالیتهای خود را تأمین مالی می‌کنند، برای تأمین مالی ناچارند از سیستمهای بهای تمام‌شده استفاده کنند» و چون دولتها ناچارند بهای کالاها و خدمات عمومی را از شهروندان مطالبه کنند لذا نقش حسابداری و حسابرسی پررنگ شد؛ زیرا حسابرسی فرایند نظام پاسخگویی و پاسخگویی ضرورت برقراری نظام رفاه اجتماعی است. با چنین تعبیری نقش و جایگاه حسابرسی در کشور به‌ویژه در چارچوب مسئولیتهای اجتماعی (مقررات زیست‌محیطی، حقوق شهروندی و رعایت قوانین) از برجستگی خاص برخوردار است. افزون بر این، برای برقراری نظام مردم‌سالاری یعنی رابطه دولت-ملت و ملت-ملت، راهکاری جز شفاف‌سازی، حسابخواهی، حسابدهی و مسئولیت اجتماعی وجود ندارد؛ زیرا آزادی فردی در حوزه سیاست و رفاه مادی در قلمرو اقتصادی است و ارتباط و پیوند ارگانیک این دو حوزه نیز از طریق حسابرسی عملکرد مالی-اجتماعی محقق می‌شود. تحقیق‌های نوین پیرامون «حکمرانی خوب» نیز نشان داده که حساب‌رسانان از نخبگان اجتماعی محسوب می‌شوند و تأثیر این نخبگان در فرایند مردم‌سالاری با ارائه گزارشهای حسابرسی عملکرد بسیار محسوس است.

شاید مهمترین تأکید در این رابطه، نظریه رودلف گلدزیهر در کتاب دولت سوسیالیستی یا دولت سرمایه‌داری است که اظهار می‌دارد: «بازار مالی، دستگاه عصبی دولت هستند. جامعه‌شناسی مالی شامل دو عنصر کلیدی تولید/درآمد/هزینه و اثری است که این دو عنصر بر امور و اقتدار سیاسی (دولت) می‌گذارد.» از سوی دیگر، برجسته‌ترین جنبه نظام سرمایه‌داری نقش نافذی است که بازار دارد و حسابرسی و حسابداری تنها ابزار نظارتی دولت و ملت برای مهار و کنترل این نقش در مواقع تخریبی است.

بررسی مسئولیتهای اجتماعی حساب‌رسان در مفاد اصل ۵۰ قانون اساسی (رعایت مقررات زیست‌محیطی)، رعایت حقوق شهروندی (فصل سوم قانون اساسی) و نبود تبعیض بین زنان و مردان در پرداخت حقوق (اصل ۲۰) قانون اساسی به‌عنوان

نقض شد تا سرانجام در قانون تشکیل سازمان حسابرسی، «حسابرسی» در معنای عام و خاص خود و سپس در «ماده واحده قانون استفاده از خدمات حسابداران ذیصلاح به عنوان حسابدار رسمی مصوب ۱۳۷۲» پدیدار شد. بررسی وقایع پس از فعالیت سازمان حسابرسی به عنوان مهمترین نهاد حسابرسی کشور و سپس فعالیت‌های حسابداران رسمی بعد از تصویب اساسنامه جامعه حسابداران رسمی و پس از برگزاری اولین مجمع عمومی در شهریورماه ۱۳۸۰، نشان‌دهنده فاصله‌گیری شدید انتظارات واقعی از جامعه حسابداران رسمی است.

### انتظارات از جامعه حسابداران رسمی کدامند؟

اگر بر مبنای قانون ماده واحده مصوب ۱۳۷۲ و اساسنامه مصوب ۱۳۷۸ و آیین‌نامه «توسعه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی مصوب ۱۳۸۷»، بخواهیم انتظارات واقعی را از جامعه حسابداران رسمی و حسابداران رسمی مورد بررسی قرار دهیم باید به نکته‌های زیر توجه کنیم.

جامعه حسابداران رسمی ایران به عنوان تنها تشکل قانونی حسابرسی، نهاد خودانتظامی است که قرار است «مسئولیت حسابرسی» کشور را به سرمنزل مقصود برساند و برای انجام چنین مأموریتی ناچار باید الزامها و توانمندی‌های آن را نیز

به تقاضای هر ذیحقی و پس از احضار مدیران شرکت مفتشین را انتخاب و یا به جای آنهایی که نتوانسته‌اند یا امتناع کرده‌اند مفتشین را انتخاب کنند مفتشین جدیدی معین می‌کند. این موضوع نیز در عمل به دلیل نبود محیط تجاری مناسب تا سال ۱۳۴۷ مسکوت مانده بود.

بعدها نیز در ماده ۲۷۵ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۴۵ مقرر شده بود: «به منظور استفاده از نتایج حسابرسی، حسابداران متخصص در امور رسیدگی به دفاتر و حساب سود و زیان و ترازنامه برای تشخیص درآمد مشمول مالیات مؤدیان، عده‌ای به عنوان حسابداران رسمی بر طبق مقررات این فصل تعیین می‌شوند.»

از آنجا که قواعد و الزامات فرایند حسابرسی و حسابخواهی در کشور وجود نداشته، مفاد مواد قانونی قبلی نیز در عمل انجام نشده و در ماده ۱۴۴ اصلاحیه قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ موضوع حسابرسی بار دیگر به شکل زیر مورد تأکید قرار گرفت: «مجمع عمومی عادی در هر سال یک یا چند بازرسان انتخاب می‌کند تا بر طبق این قانون به وظایف خود عمل کنند. انتخاب مجدد بازرسی یا بازرسان بلامانع است.

تبصره- در حوزه‌هایی که وزارت اقتصاد اعلام می‌کند وظایف بازرسی شرکتها را در شرکت‌های سهامی عام اشخاصی می‌توانند ایفا کنند که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکتها درج شده باشد. شرایط تنظیم فهرست و احراز صلاحیت بازرسی در شرکت‌های سهامی عام و درج نام اشخاص صلاحیتدار در فهرست مذکور و مقررات و تشکیلات شغلی بازرسان تابع آیین‌نامه‌ای می‌باشد که به پیشنهاد وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیونهای اقتصاد مجلسین قابل اجرا خواهد بود.»

مهمترین نکته قابل تأمل آنکه تا قبل از قانون تأسیس سازمان حسابرسی، در هیچ قانونی از جمله قانون تجارت و قانون مدنی کلمه «حسابرس» وجود نداشته و باور جامعه حسابداری کشور بر آن بوده که واژه «مفتش» مندرج در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و «بازرس» مندرج در ماده ۱۴۴ اصلاحیه قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ یعنی همین «حسابرس» خودمان؛ که به نظر اینجانب نوعی تفسیر شخصی از قانون بوده است!

در هر حال با لغو ماده ۲۷۵ در اصلاحیه قانون مالیات‌های مصوب ۱۳۵۹، موضوعیت قانون حسابداران رسمی و به‌ویژه حسابرسی

## در مجامع حرفه‌ای مشابه

### اعضای شورای عالی

به مثابه

### نخبگان حرفه

### شاه‌کلید برون‌رفت از

### مشکلات

و

### دشواری‌ها

### به‌شمار می‌روند

کارشناسی ارشد و ۵۰ هزار نفر تحصیلات تکمیلی دکتر که در مجموع حدود ۳۰۰ هزار دانشجوی مشغول به تحصیل در رشته حسابداری وجود دارند. اگر بخواهیم کل دانشجویان رشته حسابداری را با کل افراد شاغل در مؤسسه‌های حسابداری که حدود ده هزار نفر هستند مقایسه کنیم می‌توان به وضوح دریافت که از گنجایش و ظرفیت مؤسسه‌های حسابداری با توجه به وسعت عرصه کار حرفه‌ای (حسابداری، انواع خدمات حسابداری، خدمات حسابداری و مالیاتی) تاکنون به درستی استفاده نشده که بررسی آن فارغ از محدودیت‌های محیطی، نبود توانمندی لازم در بسیاری مؤسسه‌های حسابداری موجود، رشد بی‌رویه مؤسسه‌ها تنها به منظور الزام تکمیل سه شریک، فقدان محیط فیزیکی مناسب برای کارکنان به‌ویژه استخدام کارکنان سیار، نبود توانایی مالی و توانایی دانشی برای استفاده از نرم‌افزارهای خاص حسابداری و به‌ویژه نبود تناسب فکری بین مؤسسان مؤسسه‌ها (جز در مورد کسب درآمد بیشتر و متأسفانه به هر طریق ممکن) باعث شده از یک طرف شاهد حضور دویست و اندی مؤسسه در بین حداکثر یک هزار عضو شاغل (به استثنای شاغلین در سازمان حسابداری و غیر شاغلین) یعنی هر پنج حسابدار رسمی یک مؤسسه، باشیم. اگر این نسبت را با کشورهای توسعه‌یافته مقایسه کنیم نتایج آن تأسفبار خواهد بود؛ اما چنانچه آن را حتی با کشورهایمانند ترکیه، عربستان، مالزی و سنگاپور مقایسه کنیم، حکایت از تسری فرهنگ گریز از کار جمعی و سر به لاك بردن در حرفه حسابداری دارد.

اینجانب بر این عقیده هستم که فعالیت‌های حرفه‌ای منفرد که تا دهه ۱۹۷۰ عرض اندام می‌کرد به تدریج همزمان با اولین آثار جهانی شدن سرمایه خود را در قالب فعالیت‌های حرفه‌ای گروهی به‌ویژه در مؤسسه‌های بزرگ حسابداری و مؤسسه‌های بزرگ حقوقی نشان داده و نشانه‌ها و نمونه‌های آن را در حرفه پزشکی با تأسیس مراکز درمانی در قالب بیمارستان کلینیک و پاراکلینیک‌های خصوصی می‌بینیم؛ لذا درجا زدن حرفه حسابداری ایران در خصوص «تیم‌ورزی سه نفره» یکی از عوامل اصلی توسعه نیافتن حرفه است. البته نبود فرهنگ کار مشارکتی، قهرمان‌پروری، فردی‌نگری و اقتدار شخصی نخبگان که از آسیب‌های اجتماعی فرهنگ ایرانی است نیز

داشته باشد. این توانمندیها در درجه نخست به تسلط کامل به دانش حرفه‌ای، اخلاق حرفه‌ای و استقلال باز می‌گردد که جامعه در هر سه این حوزه‌ها به شدت آسیب‌پذیر شده است.

بررسی عملکرد جامعه حسابداران رسمی ایران (مصوبات شورای عالی) و عملکرد حسابداران رسمی به‌ویژه در حوزه حسابداری واحدهای عمومی (شرکت‌های سهامی عام) نشان‌دهنده ضعف‌هایی است که زمینه نارسایی حرفه را فراهم آورده است. دقت در این موضوع ما را به این نتیجه می‌رساند که به‌رغم تأخیر تاریخی در تولد بزرگترین نهاد خودانتظام حسابداری کشور، نوزاد متولد شده چون به روش سزارین پای به عرصه حیات نهاده از نقایص خلقت نیز برخوردار است که مهمترین این نقص، جنبه فراگیر دولتی آن است. نگارنده از آنجا که خود به «اندیشه رفاه اجتماعی» و نقش دولت در برقراری تعادل اجتماعی-اقتصادی باور دارد و معتقدست که اقتصاد کشور حتی از دهه‌های ۳۰ کماکان دولتی بوده و بخش عظیم ارزش افزوده اقتصادی در واحدهای دولتی-عمومی فراهم می‌شود، از اینرو انتظار ندارد در «جامعه دولت‌مدار اقتصادی» فرضیه‌های اقتصاد بازار آزاد بتواند به درستی عمل کنند.

اما حتی با در نظر گرفتن اندیشه دولتی در حوزه اقتصادی، موضوع حسابداری و پاسخگویی جز از طریق نهادهای غیردولتی اما پاسخگو و مستقل نیز امکان ندارد. برای فراهم کردن بستر این روابط، در درجه نخست شرط پرورش و آموزش نیروی انسانی این «جامعه خودانتظام حسابداری نهاد» الزامی است که مسئولیت این موضوع بر عهده مراکز آموزش عالی و حتی مراکز متوسطه آموزشی است و جامعه حسابداران رسمی نمی‌تواند نقش اساسی در این وظیفه ایفا کند.

دوم آنکه اخلاق حرفه‌ای به‌عنوان شالوده کار حسابداری مستقل منتج از اخلاق و باورهای عمومی است که به شدت در معرض تخریب و آسیب قرار گرفته و پول‌باوری در قالب «پول تنها معیار ارزشها» تمامی ارزشهای معنوی از جمله ارزشهای اخلاقی را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

نگاهی به آمار آموزش عالی کشور در سال ۱۳۹۲ نشان‌دهنده کمترین مختصات زیر است: تعداد دانشجویان کشور ۴/۴ میلیون نفر شامل یک میلیون نفر در مقطع کاردانی، ۱/۸ میلیون نفر در مقطع کارشناسی، ۴۶۰ هزار نفر در مقطع



جوامع توسعه‌یافته تقریباً یکسان و شامل دارا بودن لیسانس حسابداری یا رشته‌های مشابه، گذراندن امتحانات حرفه‌ای و دارا بودن دستکم دو یا سه سال سابقه حسابرسی (قبل از تقاضای پذیرش و یا بعد از موفقیت در امتحانات، گذراندن سلسله مراتب حرفه‌ای و سپس شریک مؤسسه شدن) می‌باشد؛ در حالی که به موجب مقررات جامعه، قیودی در مورد پذیرش اعضا وجود دارد که در اساس مانع رشد و اعتلای حرفه است. نمونه دیگر آن است که حتی در قانون محاسبین قسم‌خورده و کانون حسابداران رسمی، حسابدار رسمی نمی‌توانسته بالای ۷۰ سال سن داشته باشد. زیرا فرض بر آن است که شخص در چنین سن و سالی دچار عوارض جسمی و فکری و به احتمال فراموشی می‌شود. اما در حال حاضر در بین اعضای جامعه همکاری وجود دارند که با لرزش دست گزارش امضا می‌کنند. فعالیت حسابرسی، بنگاهداری و سهامداری، مؤسسه‌های تجاری نیستند که الزامی به حداکثر سن نداشته باشد؛ زیرا کار حرفه‌ای مستلزم آموزش مدام، عملکرد روزآمد و... است. در حرفه‌های مشابه مانند پزشکی نیز جراحان با پیدا شدن عارضه لرزش دست از ورود به این عرصه ممنوع می‌شوند و دیگر مسائل! از دیگر الزامهای حرفه‌ای، تناسب دانش و کار است و چون دانش نامحدود است و توانمندی حرفه‌ای افراد محدود، از اینرو با ایجاد بخش‌های تخصصی، بسیاری از مؤسسه‌های بزرگ حسابرسان خود را در حوزه صنعتی و تخصصی حرفه‌ای

زمینه مساعدی را برای پدیده فوق فراهم ساخته که جامعه حسابداران رسمی نیز از این بابت آسیب‌پذیر شده است. نکته قابل تأمل دیگری که در باورهای پیشینه‌دار حسابداران حرفه‌ای ایران قرار دارد، این است که در اساس حسابداری را پیشه ثبت و ضبط و حسابرسی را هم در صدور گزارش‌های حسابرسی می‌دانند؛ در حالی که نگاهی به فعالیتهای مؤسسه‌های بزرگ و برجسته حسابرسی نشان‌دهنده آن است که حوزه فعالیت این مؤسسه‌ها به‌ویژه در خدمات مشاوره‌ای شامل فعالیتهایی است که حتی در گمان حسابداران رسمی ایرانی هم نمی‌گنجد؛ مانند انتشار گزارش اقتصاد جهان در سال ۲۰۵۰ از سوی مؤسسه حسابرسی پرایس واتر‌هاوس کوپرز و یا گزارش توسعه انسانی جهان به‌وسیله مؤسسه حسابرسی دیلویت و یا طراحی فاز اول نظام جامع مالیاتی ایران توسط مؤسسه حسابرسی دیلویت کانادا. البته ورود به این فعالیتهای مستلزم احاطه به دانش حرفه‌ای (و نه فقط استانداردهای دشناسی) و دارا بودن دستکم اطلاعات عمومی اقتصاد-سیاسی و تسلط بر ابزار مالی و کاربرد فناوری... دارد که با کمال تأسف، بخش عمده اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران از آن بی‌بهره‌اند (اگرچه ادعای آن را دارند).

آسیب‌شناسی اساسنامه‌ای جامعه حسابداران رسمی، نشان‌دهنده سطحی‌نگری، سنت‌پنداری حرفه‌ای، احاطه نداشتن طراحان آن به مسائل نوین حرفه و باور عمیق دولتی به تمامی فعالیتهای اقتصادی است که در عمل جامعه و حسابداران رسمی را زمین‌گیر کرده است؛ زیرا نقش نخبگان حرفه (اعضای شورای عالی) در بستر گل‌آلود اساسنامه‌ای فراتر از مصوبات اساسنامه‌ای نیست که آن هم تاکنون راه به مقصود نبرده است. از منظر دیگر، ویژگیها و توانمندی اعضای شورای عالی تاکنون در «پردازش رأی» و تجمیع آرای اکتسابی آنان شناخته شده؛ در حالی که در بیشتر جوامع حرفه‌ای مشابه، اعضای شورای عالی به مثابه نخبگان حرفه، شاه‌کلید برون‌رفت از مشکلات و دشواریها به شمار می‌روند نه اینکه خود به مشکل تبدیل شوند!

محدودیت‌های اساسنامه‌ای در ترکیب خودخواسته شورای عالی از سوی تنظیم‌کنندگان اساسنامه، راهکار تعالی را بر پیشرفت حرفه بسته و مصوبات شورای عالی دور باطلی را می‌گذرانند. به‌طور مثال، دقت در نحوه پذیرش حسابدار رسمی در همه

به‌موجب مقررات جامعه  
قیودی در مورد پذیرش اعضا  
وجود دارد که  
در اساس  
مانع رشد  
و اعتلای حرفه  
است

مسائل پیشگفته از آن روی ارائه شد که در طرح انتظارهای آینده بتوانیم به یک راه حل عملی اجرایی برسیم؛ لذا در چارچوب محدودیت‌های محیطی کشور از آنجا که اینجانب حرفه و جامعه را از یکدیگر جدا نمی‌دانم، نکته‌های زیر را طرح می‌کنم:

۱- بازنگری جدی در اساسنامه و پیشنهاد یک اساسنامه مبتنی بر واقعیت محیطی و متضمن برآیند اقتصاد آینده کشور به طریقی که نمایندگان نهادهای اصلی استفاده‌کننده از خدمات حسابرسی مانند سازمان مالیاتی، شورای عالی بورس و بانک مرکزی در شورای عالی جامعه یا هیئت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی حضور داشته باشند.

۲- نظارت کاربردی و فعال بر مؤسسه‌های حسابرسی و به‌ویژه شاغلین انفرادی.

۳- بازآموزی مستمر عملی اعضای جامعه از طریق کاربرد روش‌های نوین مبتنی بر شبکه جهانی به‌ویژه در مورد اعضای قدیمی (فارغ‌التحصیلان دهه سی و چهل).

۴- گسترش منطقه‌ای تشکل حرفه‌ای حسابداران رسمی مشابه دیگر کشورهای جهان (تأسیس شعبه‌های استانی و یا منطقه‌ای نمودن حسابداران رسمی) و اصلاح اساسنامه به طریقی که واحدهای منطقه‌ای مستقل جامعه حسابداران (استانی یا منطقه‌ای) دارای نماینده در شورای عالی باشند.

۵- ایجاد یک نهاد مشترک (شورای هماهنگی) حرفه‌ای فیما بین جامعه حسابداران رسمی ایران، سازمان حسابرسی، انجمن حسابداران خبره ایران، انجمن حسابرسان داخلی، انجمن حسابداری ایران و انجمن مدیران مالی و برگزاری نشست مشترک ادواری جامعه حسابداران رسمی با دیگر نهادهای ذریبط حرفه‌ای مانند انجمن حسابداران خبره ایران، سازمان حسابرسی، انجمن حسابرسان داخلی و انجمن حسابداری ایران.

۶- تغییر ترکیب هیئت تشخیص صلاحیت مرکب از ۱۱ نفر حسابدار رسمی به طریقی که ۸ نفر از طرف اعضای جامعه حسابداران در مجمع سالانه برای مدت دو سال تعیین و سه نفر دیگر هر یک به انتخاب وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی و شورای عالی سازمان بورس و اوراق بهادار باشند.

۷- تعیین مرجع انتخاب هیئت عالی انتظامی به طریقی که نمایندگان هیئت عالی انتظامی سه جانبه از سوی وزیر امور

می‌کنند؛ در حالی که در ایران برعکس، همه حسابرسان در همه زمینه‌های حرفه‌ای ورود می‌کنند. در نتیجه شاهد آن هستیم که در ارزیابی سهام یک شرکت سود انباشته میلیارد تومانی دوبار به حساب آمده و یا ذخایر سنگ آهک در اساس در محاسبات لحاظ نشده و یا در گزارش‌های مجموعه‌های بانکی دسته‌گل‌هایی رخ داده که می‌تواند افکار عمومی را بر علیه حسابرسان بسیج کند!

متناسب نبودن دانش روزآمد حسابرسان ایرانی را می‌توان در آمار تعداد مراجعان و یا حسابداران رسمی کشور به تارنمای **فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC)** مورد قضاوت قرار داد که در ظاهر در چند سال گذشته حداکثر ۲ درصد اعضا به این تارنما که از منابع مهم دانش حرفه‌ای است، سر زده‌اند! این بدان معنی است که در کشوری که معضل دانش از یک طرف و دستیابی به دستاوردهای حرفه‌ای قاعدتاً باید سیل مشتاقان را به سوی گنجینه‌های دانش روانه کند، مراجعه به گنجینه‌های حرفه‌ای و یا کتابخانه‌های برخط مانند ایفک و **بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRSF)** در حداقل تعداد، ممکن است ما را به این باور برساند که یا حرفه خود را بی‌نیاز از دانش حرفه‌ای می‌داند و یا دانش را به بازی نمی‌گیرد! نمونه دیگر، الزام‌های چرخش حسابرسان از طریق کپی برداری از بورس‌های جهانی که قدمت یکصد ساله دارند با بورس حداکثر ۱۷ ساله ایران است که حتی با وجود تغییر موضع بورس‌های جهان و مراکز نظارتی پیرامون چرخش اجباری هنوز در ایران بر آن پافشاری می‌شود (مجله حسابرسان شماره ۶۸، آذر و دی ماه ۱۳۹۲).

نمونه دارای اهمیت دیگر آنست که با وجودی که سیر تکاملی حرفه‌ای جهان، حسابداری را به استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کشانیده، هنوز در ایران اقدام جدی در این مورد به عمل نیامده و تنها به برگزاری نشست و یا همایش (کار معمول ایرانیان) اکتفا شده است. انتشار نسخه ارمنی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (با جمعیت حداکثر ۳ میلیون نفر در جهان) در تارنمای بنیاد و ممکن نبودن دسترسی به نسخه فارسی (با کاربرد جمعیتی بیش از یکصد میلیون نفر در ایران، افغانستان، تاجیکستان، و بخشهایی از پاکستان و ...) نمایانگر فقر دانشی ما است.

۱۲- ارائه راهکارهای تشویقی عملی به منظور ادغام مؤسسه‌های حسابرسی و تشکیل مؤسسه‌های بزرگ حسابرسی.

۱۳- تشکیل کارگروه‌های فعال با نهادهای نظارتی بازار پول و سرمایه در جهت تضمین کنترل کیفیت فعالیت مؤسسه‌های حسابرسی به‌ویژه مؤسسه‌های حسابرسی فعال در بازارهای مذکور.

۱۴- ترجمه و انتشار آرای هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام (PCAOB) ایالات متحده آمریکا در مورد مؤسسه‌های حسابرسی به منظور آشنایی حساب‌سازان با نهادهای نظارتی و احکام تنبیهی حرفه‌ای.

۱۵- طراحی و روزآمد کردن تارنمای جامعه حسابداران مشابه سایر نهادهای بین‌المللی (برای مثال انجمن حسابداران خبره آمریکا) متضمن دستیابی حسابداران رسمی به آخرین اخبار حرفه، بورس و مسائل مرتبط با حرفه نظیر هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری (IASB) یا هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی (FASB) ایالات متحده آمریکا.

۱۶- برگزاری جلسه‌های ادواری با اعضای کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، دیوان محاسبات و بخش نظارت بانک مرکزی و سازمان بورس به منظور تفاهم مشترک در مورد اعمال نظارت حرفه‌ای از سوی جامعه بر حرفه حسابرسی و اطمینان بخشی به ذینفعان مبنی بر آنکه خودانتظامی حرفه‌ای متضمن حقوق دیگر ذینفعان گزارش‌شدهای حسابرسی خواهد بود.

۱۷- تغییر ترکیب اعضای شورای عالی جامعه متشکل از نمایندگان مناطق مختلف کشور، نمایندگان بخش دانشگاهی، یک نماینده از بخش اعضای جوان زیر ۳۵ سال و یک نماینده از بخش زنان.

۱۸- تعامل با نهادهای حرفه‌ای بین‌المللی نظیر ایفک، هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری و هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی ایالات متحده و نهادهای حسابرسی منطقه‌ای نظیر اتحادیه حساب‌سازان عرب‌زبان خلیج فارس.

۱۹- تشکیل نهاد حسابداران رسمی ملیت‌های فارسی‌زبان متشکل از ایران، تاجیکستان، افغانستان و ...

۲۰- تهیه لوح‌های فشرده آموزشی در زمینه حسابداری، حسابرسی و مالیات و کلیپ‌های آموزشی مرتبط.



اقتصادی و دارایی، وزیر دادگستری و شورای عالی جامعه باشند. ۸- تعیین سه نفر حسابدار رسمی به‌عنوان هیئت نظارت جامعه حسابداران از طریق شورای عالی جامعه حسابداران رسمی، وزیر امور اقتصادی و دارایی و شورای عالی سازمان بورس.

۹- تغییر طبقه‌بندی اعضای جامعه حسابداران مبتنی بر عضو شاغل (حسابدار رسمی فعال در حرفه)، حسابدار غیرشاغل (دارای مجوز حسابرسی اما غیرشاغل و غیرفعال)، عضو افتخاری (کسانی که خدماتی به حرفه حسابداری و حسابرسی انجام داده باشند)، عضو دانشگاهی (فارغ‌التحصیلان دوره دکتری حسابداری و رشته‌های مالی)، عضو دانشجوی (فارغ‌التحصیلان واجد شرایط امتحانات حسابدار رسمی قبل از گذراندن امتحانها و قبل از اتمام حداقل دوره کارآموزی حسابرسی). تأکید می‌شود که به جز حسابداران شاغل (مشابه سایر انجمن‌های حسابرسی بین‌المللی)، هیچ یک از سایر گروه‌ها حق انجام فعالیت حسابرسی مستقل را ندارند.

۱۰- عضویت رسمی سازمان حسابرسی در جامعه به‌طریقی که مقررات جامعه به حساب‌سازان رسمی شاغل در سازمان نیز مشابه سایر اعضا تسری یابد.

۱۱- نظارت فعال بر حرفه و مؤسسه‌های حسابرسی و اعمال کنترل کیفیت مناسب با هدف‌های اطمینان بخشی جامعه و ذینفعان به حرفه حسابرسی.

## از گنجایش و ظرفیت

### مؤسسه‌های حسابرسی

#### با توجه به

### وسعت عرصه کار حرفه‌ای

#### تاکنون

#### به‌درستی

### استفاده نشده است

